



حسینی

و درختکاری در ده شلمرود



یک دهی بود و دیاری بود زیبا و قشنگ
نهر و آبیاری داشت. سبزهزار و دشتی
داشت پر از گل‌های رنگارنگ و پروانه‌های
زیبا که همیشه روی گل‌ها می نشستند و
شهد گل‌ها رو می چشیدند.





آسمون آبی و پاک پر از خانه‌های باصفا
بود مردمی داشت خوب و مهربون
بچه‌های خیلی دوست‌داشتنی.
اسم این ده باصفا شلمرود بود.

یکی از خونه‌ها خونه حسنی کوچولو بود
که همیشه فکری داشت.
فکرای خوب و بکری داشت.





یه روز توی فصل بهار دوستانش رو دور
خودش جمع کرد و گفت: بچه‌ها هر کی
دوست داره یه چیز زیبا و قشنگ برای
آینده‌اش بسازه و به ثمر برسونه فردا با
من بیاد البته باید یه گل بیاره که ریشه
داشته باشه.





روز بعد همه بچه‌ها با گل‌هایی رنگارنگ
رفتند به دشت بزرگ ده شلمرود. کنار ده
به نهر زیبا و قشنگ بود. نگارنگ و پروانه‌های
هرکدام از بچه‌ها یک گل زیبا و قشنگ و
رنگارنگ با خودشون آورده بودند.



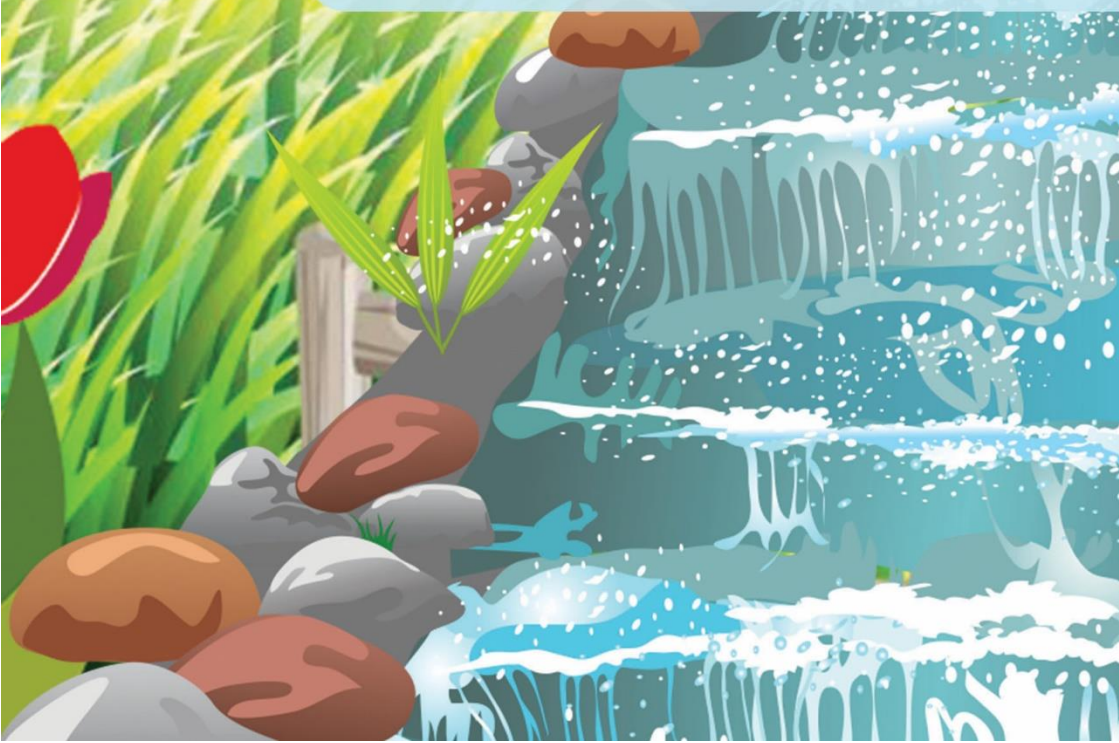


حسنی گفت: بچه‌ها هرکسی گل یا نهال
خودش رو کنار نهر بزرگ بکاره.
بچه‌ها دستکش هایشان را دست‌شان
کردند و با بیل‌های خود شروع به کندن
زمین کردند و گل‌ها و نهال هایشان را توی
خاک کاشتند.

حسنى گفـت: بچه‌ها فصل بهار ، فصل گل كارى هست و همه ما بايد بدونيم، وقتى گلى يا نهالى مى‌كاريم بعد از مدتى گلهـا و نهال‌هامون بزرگ و بزرگتر ميشن و خوشگل و خوشگل‌تر. اينجا کنار رود هميشه آب هست كه گل‌ها و نهال‌هامون رو راحت آب بديم تا خشك نشن ولى بايد هميشه بهشون سر بزويم و مراقبشون باشيم.

بايد آفتاب بخوره تا خراب نشه.

حالا همه‌ى بچه‌ها يك گل يا نهال زيبا داشتن كه فقط و فقط براى خودشون بود كه مى‌دونستن سال بعد خيلى بزرگتر از الانشون ميشن.





گل‌های زیبا و رنگارنگ توی چمن زیبا
کنار نهر قشنگ مثل یک رنگین کمون
شده بودند. پس حالا ما می‌دونیم فصل
گل‌کاری تو بهاره. هر کی بتونه برای
خودش گلی یا نهالی می‌کاره و حسابی
باید بهشون برسه تا خراب نشن.

ده شلمرود
نویسنده: مهتاب شادمهر شریف
تصویرگر و طراح جلد: محدثه عارفی اصل
قطع و صفحه: رحلی کوچک / ۱۰ صفحه
به سفارش: دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی
زیر نظر استاد محترم: سرکار خانم رضایی